

# Title: A Comparative Study of the Structure and Narrative Elements of the Story of Adam and Satan in Surahs Sad and Taha

(Received: 14/11/2021 - Accepted: 26/11/2021)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.24765317.2021.6.1.1.3>

Sayed Mahmoud Tayeb Hosseini<sup>1</sup>

## Abstract

The stories of the Holy Quran have an excellent, artistic and unique geometric structure and have used narrative elements in an extraordinary way for their guiding and educational purposes. The stories of the Qur'an can be studied and important from different perspectives, including literary, artistic, rhetorical, historical, etc. The present article tries to analyze the structure, content and narrative elements of the story of Adam and Satan in two surahs of Sad and Taha (which are the first surahs of this story in descending order) by descriptive-comparative method. And examines the relationship between the plot of Adam and Satan in the two mentioned chapters from a literary perspective with the main purpose of each of these two chapters. Through this description and comparison, it was obtained that first; The combination of the narrative elements of these two stories, from Surah Sad to Taha, reports a series of historical narratives of the story of Adam and Satan. Secondly; In each of the two stories, in addition to the existence of common and similar elements, there are distinct elements in accordance with the literary purposes of the two suras of Sad and Taha. These elements have given each of the two stories an independent identity and, artistically, free the Qur'an from any repetition in the story.

**Keywords:** Comparative Study, Adam's Story, Story Elements, Surah Sad, Surah Taha

1. Associate Professor, Department of Quranic Studies, Research Institute and University, Qom, Iran. [tayebh@rihu.ac.ir](mailto:tayebh@rihu.ac.ir)



## بررسی تطبیقی ساختار و عناصر روایی قصه آدم و شیطان در دو سوره ص و طه

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۳ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۵)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.24765317.2021.6.1.1.3>

سید محمود طیب حسینی<sup>۱</sup>

### چکیده

قصه‌های قرآن کریم ساختار هندسی عالی، هنری و منحصر به فردی دارد و از عناصر روایی به نحو فوق‌العاده‌ای در جهت اهداف هدایتی و تربیتی‌اش بهره برده است. قصه‌های قرآن از منظرهای مختلف؛ اعم از ادبی، هنری، بلاغی، تاریخی و... قابل مطالعه و حائز اهمیت است. مقاله حاضر در صدد است با روش توصیفی، تطبیقی به تحلیل ساختار، محتوا و عناصر روایی قصه‌ی آدم و شیطان در دو سوره ص و طه - که نخستین سوره مشتمل بر این قصه در ترتیب نزول هستند - پرداخته و ارتباط طرح این قصه در دو سوره یاد شده را از منظر ادبی با غرض اصلی هر یک از این دو سوره واکاوی کند. از رهگذر این توصیف و مقایسه، به دست آمد که اولاً، تجمیع عناصر روایی این دو قصه، از سوره ص به طه، روایت تاریخی مسلسلی از داستان آدم و شیطان را گزارش می‌کند. ثانیاً، در هر یک از دو قصه، علاوه بر وجود عناصر مشترک و مشابه، عناصر متمایزی منطبق با اغراض ادبی دو سوره ص و طه وجود دارد که به هر یک از دو قصه هویت مستقل داده و از نظر هنری، قرآن را از هرگونه تکرار در قصه میرا می‌دارد.

**کلید واژه‌ها:** مطالعه تطبیقی، قصه آدم، عناصر قصه، سوره ص، سوره طه

## مقدمه

تفسیر تطبیقی که امروزه از رواج و رونق زیادی برخوردار شده، از موضوعاتی است که قلمرو گسترده‌ای را شامل می‌شود و در حوزه‌های مختلفی می‌توان به مطالعه تطبیقی در معارف و موضوعات قرآن و در تفاسیر دست زد. ماهیت تفسیر تطبیقی سنجش و مقایسه است. در جریان تفسیر یا مطالعه تطبیقی، پژوهشگر در صدد بر می‌آید تا از مجرای مقایسه و سنجش به معرفتی جدید در حوزه‌ی معارف قرآن یا دیدگاه‌های مفسران دست یابد. اگر چه امروزه بیشتر پژوهشگران در مطالعات تطبیقی‌شان، به بررسی آیات کلامی قرآن یا به مقایسه‌ی دیدگاه‌های مفسران در حوزه معارف کلامی می‌پردازند، اما از آغازی که رویکرد تفسیر تطبیقی یا مقارن مورد توجه قرآن پژوهان قرار گرفت، همواره عرصه‌های مختلفی در حوزه مطالعات تطبیقی مطرح شده است. صلاح عبدالفتاح خالدی معتقد است که یک پژوهشگر در تفسیر مقارن یا تطبیقی به مقایسه‌ی آرای عده‌ای از مفسران بر اساس اختلاف منهجشان می‌پردازد؛ به این صورت که آرای آن‌ها را در باره‌ی یک سوره‌ی کوتاه یا مجموعه‌ای از آیات مربوط به یکی از موضوعات قرآنی از قبیل موضوع ایمان، فقه یا لغت گرد می‌آورد تا منهج و روش هر مفسر را در باره‌ی آن موضوع و یا پایبندی مفسر به منهجش بررسی کند. نیز میان آن مفسر با سایر مفسران مقایسه می‌کند و روش هر یک از آن‌ها را بر معیار و میزان صحیح عرضه می‌کند تا بهترین طریق تفسیر را معین کند. (خالدی، ۱۴۲۲: ۲۸)

مطابق این تعریف تفسیر تطبیقی علاوه بر آیات کلامی و فقهی شامل عموم معارف قرآن، مباحث ادبی قرآن و روش‌ها و دیدگاه‌های مفسران نیز می‌شود. یکی از عرصه‌هایی که قابلیت بررسی تطبیقی داشته و می‌توان از مجرای آن به معرفت‌های جدیدی از قرآن مجید دست یافت، مقایسه میان آیاتی از قرآن - مثلاً - در یک سوره با آیاتی دیگر از قرآن و مشابه با آن در سوره‌ای دیگر است. یکی از محققان تفسیر تطبیقی را به گونه‌ای تعریف کرده است که شامل این حوزه از تفسیر موضوعی نیز می‌شود. وی می‌نویسد: مفسر تمام نصوص را اعم از نصوص قرآنی، احادیث نبوی، روایات صحابه و تابعان، آرای مفسران و کتب آسمانی دیگر را که درباره‌ی موضوع آیه یا آیات معینی از قرآن است را جمع می‌کند و میان این نصوص مقایسه کرده، دیدگاه‌ها را با یکدیگر می‌سنجد و دیدگاه برتر را ترجیح می‌دهد. (رومی، ۱۴۱۹: ۶۰)

در این تعریف قلمرو تفسیر تطبیقی گسترده‌تر از تعریف قبل دیده شده است و شامل بررسی تطبیقی میان بخشی از آیات قرآن با بخشی دیگر از آیات قرآن در سوره‌ای دیگر، اما مشابه آن در موضوع و مضمون می‌شود. (ر.ک: عسگری، ۱۳۹۷: ۸ - ۹)

از آنجا که شرط هر مطالعه تطبیقی آن است که دو طرف تطبیق برخوردار از نقاط

مشترک و مختلف باشد، دو دسته آیات قابل مقایسه در این حوزه از مطالعات تطبیقی در باره قرآن باید دارای شباهتها و تفاوتها باشد. در دانش آیات متشابه که یکی از مباحث علوم قرآنی است، آیات شبیه به هم که البته دارای تفاوتهایی هم هستند، به بحث گذاشته می‌شود. (نکته زرکشی، ۱۴۱۰: ۱/ ۲۰۷ - ۲۴۱؛ سیوطی، ۱۴۲۱: ۲/ ۲۳۲ - ۲۳۷) در دوره‌ی معاصر، فاضل صالح سامرای، در آثار مختلفش به مقایسه‌های جدید و متفاوتی میان آیات الفاظ و عبارات شبیه به هم در قرآن دست‌زده و به نتایج جالب و ارزشمندی در حوزه اعجاز بیان قرآن و زیبایی شناسی الفاظ قرآن دست‌یافته است. (نکته سامرای، ۱۳۹۶؛ همو، ۱۳۹۹) بنابر این، یکی از موضوعات مطالعه تطبیقی آیات قرآن، به آیات شبیه به هم است. موضوع دیگر، آیات توصیف‌گر پاداش‌های وعده داده شده به بهشتیان یا عذاب‌هایی که اهل دوزخ به آن تهدید شده‌اند، است؛ مثلاً مقایسه‌ی صحنه‌های قیامت در سوره‌های مختلف قرآن (نکته قطب، ۱۴۲۳) یا مقایسه نعمتهای بهشتی سابقون در سوره واقعه با نعمتهای بهشتی اصحاب یمین در همین سوره یا مقایسه پاداش‌های آخرتی ابرار در سوره‌ی انسان، با پاداش‌های وعده داده شده به متقیان در سوره طور و... یکی از موضوعات بسیار مهم برای مطالعه تطبیقی آیات، مقایسه قصه‌های قرآن با یکدیگر است؛ مثل مقایسه‌ی یکی از قصه‌های قرآن در یکی از سوره‌ها با همان قصه در سوره‌ی دیگر. مثلاً قصه‌ی حضرت موسی (علیه السلام) یا حضرت ابراهیم (علیه السلام) یا حضرت داود و سلیمان (علیهم السلام) و ... را که در سوره‌های متعددی از قرآن آمده با یکدیگر مقایسه شود یا در محدوده‌ای کوچکتر، یکی از این قصه‌ها در دو سوره مختلف با هم مقایسه شود. در مقاله‌ی حاضر، نمونه‌ای از این سنخ مطالعه تطبیقی قرآن مجید در نظر گرفته شده و آن مقایسه‌ی قصه حضرت آدم (علیه السلام) در دو سوره طه و ص است. سؤال پژوهش آن است که چه تفاوت‌هایی میان قصه آدم (علیه السلام) در سوره طه و ص وجود دارد، راز این تفاوت در چه امری نهفته است؟ فرضیه پژوهش هم این است که میان عناصر این قصه، در دو سوره تفاوت‌های آشکاری وجود دارد و راز این تفاوت، در ارتباط این قصه با غرض اصلی هر یک از دو سوره نهفته است.

### پیشینه بحث

در برخی از پژوهش‌های قرآنی، در باب قصه‌های قرآن به این نکته توجه شده است که تکرار قصه‌های قرآن، به‌ویژه قصه‌های پیامبران در سوره‌های مختلف، در واقع تکرار نیست و اگر این قصه‌ها با دقت مطالعه شوند، در همه‌ی موارد، میان این قصه‌های به ظاهر مکرر، تفاوت‌هایی وجود دارد. در حالی که در یک سوره، برخی از عناصر قصه مورد نظر نقل و برخی دیگر ترک شده است، در سوره‌ی دیگر بخشی از عناصر آن قصه مشترک است و برخی عناصر قصه در مقایسه با سوره قبلی حذف و به جای آن عناصر

دیگری جایگزین شده است. این محققان همچنین افزوده‌اند که در هر سوره، مشتمل بر یک یا چند قصه، عناصری از آن قصه گزینش شده است که با غرض آن سوره در ارتباط است و همین نکته، راز تفاوت قصه‌های مکرر در سوره‌های مختلف قرآن است. (ر.ک: خلف‌الله، ۱۹۹۹: ۲۵۸) خلف‌الله، همچنین در بخشی از مباحثش، قصه حضرت آدم (ع) را در دو سوره‌ی اعراف و حجر مقایسه کرده و با اشاره به عناصر متفاوت این قصه در دو سوره‌ی یادشده، علت اختلاف دو قصه را در غرض دو سوره یاد شده، بیان کرده است. به نظر خلف‌الله، قصه آدم (ع) با این غرض نقل شده تا آغاز دشمنی ابلیس با آدم (ع) را حکایت کند، سپس از این قصه، نتیجه‌ی مرتبط با همه قصه‌های پیامبران که در سوره اعراف مطرح شده است را استنتاج کند. به نظر وی، غرض اصلی از همه‌ی قصه‌های نقل شده در سوره اعراف، وادار کردن مشرکان به تعدیل مواضعشان نسبت به پیامبر (ص) است؛ به همین دلیل در پایان سوره و نقل قصه‌های مختلف می‌فرماید: ﴿وَأْتِلْ عَلَيْهِمُ بَنَاءَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَاسْلُخْ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ... سَاءَ مَثَلًا لِّلْقَوْمِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَانفُسَهُمْ كَانُوا يَظْلَمُونَ﴾ (اعراف / ۱۷۵ - ۱۷۷)؛ و خبر آن کسی را برای آنان بخوان که (دانش) آیات خویش را به او ارزانی داشتیم، اما او از آن‌ها کناره گرفت و شیطان در پی او افتاد و از گمراهان شد... بد داستانی است (داستان) کسانی که آیات ما را دروغ شمردند و به خویش ستم می‌ورزیدند.

در پایان داستان حضرت آدم نیز نزدیک به همین مضمون را آورده است (اعراف / ۲۶ - ۲۷)، اما در سوره حجر، غرض از نقل قصه‌ی حضرت آدم (ع)، برطرف کردن اندوه و اضطراب از نفس پیامبر در جریان دعوت و تبلیغ رسالت و دشواری‌های فرا روی آن، از جمله استهزای مشرکان نسبت به پیامبر است؛ به همین دلیل در پایان سوره‌ی حجر، این آیات آمده است: ﴿فَأَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ الَّذِينَ... وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ...﴾ (حجر / ۹۴ - ۹۷)؛ از این روی، آنچه فرمان می‌یابی آشکار کن و از مشرکان روی بگردان. ما تو را در برابر ریشخند کنندگان بسنده‌ایم. آنان که با خداوند، خدایی دیگر می‌نهند و به زودی (فرجام این کار را) خواهند دانست و ما به درستی می‌دانیم که تو از آنچه می‌گویند دل‌تنگ می‌گرددی. حال هنگامی که غرض قصه‌های سوره اعراف، تعدیل موضع مشرکان در برابر دعوت پیامبر باشد، شیوه قرآن در نقل قصه‌های این سوره نیز همسو با این غرض بوده تا با این قصه‌ها از یک‌سو، رفتار خدای تعالی با مستکبران عالم و هلاکت آن‌ها را به مشرکان مکه و از دیگر سو، احسان و رحمتش را به مؤمنان نشان دهد؛ به همین دلیل است که در پایان بیشتر قصه‌های سوره اعراف از نصیحت پیامبران نسبت به اقوامشان سخن به میان آورده است. در حالی که رویکرد اصلی سوره حجر، ناراحتی و تنگی سینه پیامبر در

مقابل رفتار و استهزای مشرکان است و قصه‌های گزینش شده در این سوره، هم‌سو با غرض سوره، لحن شدیدتری به خود گرفته و دیگر از رحمت خداوند نسبت به مؤمنان همراه پیامبر سخن به میان نیامده است. همچنین لحن گفت و گوی خداوند با شیطان نیز در قصه آدم با شدت و عتاب همراه است. آنجا که شیطان را از درگاه خود طرد می‌کند و تا روز قیامت او را مورد نفرین خود قرار می‌دهد: ﴿قَالَ فَأخْرَجُ مِنْهَا فَاثْنَكَ رَجِيمٍ وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ﴾ (حجر/ ۳۴ - ۳۵) (خلف‌الله، ۱۹۹۹: ۲۶۴ - ۲۶۵)

این مقایسه را که خلف‌الله از آن به «موازنه = مقایسه / سنجش» تعبیر کرده است (همان، ۲۶۳) باید سرآغاز بررسی تطبیقی موضوع مقاله حاضر دانست. بعدها، فاضل سامرایی نیز در بخشی از کتاب ساختارشناسی قرآن با رویکرد ادبی - هنری، به مقایسه میان قصه‌ی حضرت آدم (علیه السلام) در سوره‌ی بقره با اعراف، اعراف با ص و حجر با ص پرداخت. (سامرایی، ۱۳۹۶: ۳۱۸ - ۳۴۸؛ همو، ۱۳۹۸: ۴۹۷ - ۵۳۹)

### ۱- ضرورت بحث مطالعه تطبیقی قصص قرآنی

ضرورت بحث حاضر، تابع اغراض و آثار این نوع مطالعه تطبیقی است. هرچه فواید و آثار این بحث در معرفت ما نسبت به آموزه‌ها و معارف قرآن بیشتر باشد، این نوع مطالعه از ضرورت و اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود. بنابر این، به منظور اثبات ضرورت این بحث، باید فواید و اغراض مترتب بر این بحث مرور شود. برای مطالعه‌ی تطبیقی میان قصه‌های مکرر قرآن به‌ویژه قصه‌های پیامبران با امت‌هایشان، اغراض و فواید ذیل را می‌توان برشمرد:

- الف- کشف تفاوت‌های قصه‌های قرآن در سوره‌های مختلف.
- ب- کشف ارتباط قصه‌های قرآن با اغراض سوره‌های قرآن.
- ج- فراهم ساختن زمینه‌ی بهره‌گیری از قصه‌های هر سوره برای کشف اغراض آن سوره.

د- پاسخ به شبهه‌ی تکرار در قصه‌های قرآن. یکی از شبهه‌های مطرح شده در باب قصه‌های قرآن، تکرار برخی از قصه‌ها در سوره‌های مختلف قرآن است. با بررسی تطبیقی هر یک از قصه‌های قرآن، می‌توان تکرار یا عدم تکرار قصه‌های قرآن را کشف کرد.

ه- کشف حلقه‌های مختلف قصه و تنظیم تاریخی قصه‌های قرآن. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان با همین نگاه و با استفاده از همین روش در سراسر المیزان در ذیل یکی از نقل‌های قصه در یکی از مجلدات، به بازسازی و تنظیم تاریخی قصه‌های قرآن دست‌زده است. (مثلاً برای تنظیم قصه‌ی یونس علیه‌السلام ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶۵ / ۱۶۷ - ۱۶۷؛ موسوی همدانی، ۱۳۷۴: ۲۵۲ / ۱۷ - ۲۵۳)

## ۲ - ویژگی‌های قصص قرآنی

قصه‌های آن دسته از پیامبران بزرگی که در چند سوره قرآن آمده و تکرار شده، دارای ویژگی‌های زیر است:

۱. به جز قصه حضرت یوسف که در یک سوره و به ترتیب تاریخی آمده، قصه‌ی هیچ‌یک از پیامبران در یک سوره و به ترتیب تاریخی و پشت سرهم نیامده است.
۲. در هر سوره بخشی از قصه یک پیامبر، گزینش و گزارش شده است.
۳. گاه در نقل قصه‌ی بعضی پیامبران، ترتیب تاریخی در نقل رعایت نشده است؛ مثلاً اول به پایان قصه یا میانه قصه اشاره شده و بعد آغاز قصه آمده است، (قصه لوط در سوره حجر و قصه ذبح گاو در میان بنی‌اسرائیل در سوره بقره از این قبیل است) حال اگر محققى بخواهد به گزارش تاریخی زندگی یک پیامبر در قرآن آگاهی پیدا کند باید به روش تطبیقی و موضوعی، قصه‌ی آن پیامبر را در قرآن مطالعه کند.

## ۳ - قصه آدم (ع) در قرآن

قصه آدم (ع)، در هفت سوره‌ی قرآن آمده است. این سوره‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: ۱. سوره بقره آیات ۳۰ - ۳۹؛ ۲. سوره آل عمران، آیه ۵۹؛ ۳. سوره اعراف آیات ۱۱ - ۲۵؛ ۴. سوره حجر آیات ۲۶ - ۴۴؛ ۵. سوره اسراء آیات ۶۱ - ۶۶؛ ۶. سوره طه آیات ۱۱۵ - ۱۳۳؛ ۷. سوره ص آیات ۷۱ - ۸۵.

در این سوره‌ها، محورهایی از قصه آدم (ع) به اجمال یا تفصیل بیشتر حکایت شده است؛ مثلاً در سوره‌ی بقره به محورهای زیر اشاره شده است:

۱. خلیفه قرار دادن انسان در زمین؛ ۲. اعتراض فرشتگان به آفرینش انسان و فساد انگیزی و خون‌ریزی انسان در زمین؛ ۳. تعلیم اسماء به انسان و بیان برتری انسان نسبت به فرشتگان؛ ۴. امر به فرشتگان جهت سجده بر انسان؛ ۵. سجده کردن فرشتگان بر انسان و امتناع کردن ابلیس از سجده و تکبر ورزیدن وی نسبت به انسان؛ ۶. سکونت آدم و همسرش در بهشت و خوردن از همه‌ی میوه‌های آن؛ ۷. نهی آدم و همسرش از نزدیک شدن به یک درخت خاص و خوردن از میوه‌ی آن؛ ۸. به لغزش افتادن آدم و همسرش توسط شیطان و موجبات اخراج آن دو از بهشت و هبوط آن‌ها به زمین و ایجاد دشمنی میان فرزندان آدم. در حالی که در سوره‌ی آل عمران، در ضمن یک آیه، فقط به آفریده شدن آدم (ع) از خاک (تراب) اشاره شده و خلقت حضرت عیسی (ع) از این جهت که بدون داشتن پدر به دنیا آمده، به حضرت آدم تشبیه شده است.

## ۳-۱. قصه آدم (ع) در سوره طه

چنان‌که اشاره شد، در آیات ۱۱۵ تا ۱۲۳ سوره‌ی طه، قصه آدم (ع) حکایت شده

است. سوره‌ی طه از سور مکی قرآن و رتبه‌ی آن در مصحف، سوره‌ی بیستم و از نظر ترتیب نزول با اندکی تفاوت در روایات ترتیب نزول آمده است. بنا به روایت عطا خراسانی از ابن عباس، این سوره در رتبه چهل و پنجمین سوره قرار دارد. (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۳: ۱۰/ ۴۰۵؛ سیوطی، ۱۴۲۱: ۱/ ۵۷ - ۶۰؛ معرفت، ۱۳۸۱: ۹۰) این آیات عبارت‌اند از:

﴿وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ نَسْفِ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا\* وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ\* فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَزَوْجَكَ فَلَا يَخْرِجَنَّكَ مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَىٰ\* إِنَّ لَكَ الْأَجْوَاعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَىٰ\* وَأَنْتَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَصْحَىٰ\* فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَىٰ شَجَرَةٍ الْمُحْدَمِ وَمَلَكَ لِيَبْلِيَ\* فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْءَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْضِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَىٰ آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَىٰ\* ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ قَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَىٰ\* قَالَ أَهْبِطْ مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَىٰ﴾ (طه/۱۱۵-۱۲۳): از قبل به آدم سفارشی کردیم، ولی فراموش کرد و پایمردی در او نیافتیم. - و [به یاد آر] زمانی را که به فرشتگان گفتیم: برای [بزرگداشت] آدم ابراز فروتنی کنید، همه ابراز فروتنی کردند، جز ابلیس که سر باز زد. - آن گاه گفتیم: ای آدم، این [ابلیس] دشمن تو و همسر توست؛ زنهار شما را از بهشت آواره نکند که نگون بخت خواهی [د] شد. - در بهشت بدون غذا و لباس نخواهی ماند - نه تشنه خواهی شد و نه آفتاب زده - ولی شیطان وسوسه‌اش کرد و گفت: ای آدم، آیا [دوست داری] تو را به درخت جاودانگی و فرمانروایی زوال ناپذیر راهنمایی کنم؟ - هر دو از آن درخت خوردند، آن گاه [لباس بهشتی‌شان فرو ریخت و] اندام جنسی آن‌ها در نظرشان آشکار شد و شروع کردند از برگ [درختان] بر خود بپوشانند؛ [بدین قرار] آدم پروردگار خویش را نافرمانی کرد و از جایگاه و مقام خود فرو افتاد - آن گاه [با پشیمانی توبه کرد و] پروردگارش او را برگزید و [به رحمت خود] بر او بازگشت و هدایتش نمود. (ترجمه از طاهری قزوینی، ۱۳۸۰ش)

### ۳-۲. عناصر اصلی قصه آدم (ع) در سوره طه

به منظور مقایسه دقیق‌تر میان قصه آدم (ع) در دو سوره‌ی طه و ص لازم است ابتدا عناصر اصلی این قصه در دو سوره فهرست شود، سپس به مقایسه‌ی عناصر اصلی این قصه در دو سوره اقدام شود. اصلی‌ترین عناصر قصه آدم (ع) در سوره طه عبارت‌اند از:

۱. پیمان گرفتن خدا از آدم؛ ۲. فراموش کردن پیمان خدا از سوی آدم؛ ۳. فرمان خدا به فرشتگان و سجده‌ی آن‌ها بر آدم (ع)؛ ۴. سر باز زدن ابلیس از سجده بر آدم؛ ۵. هشدار خداوند به آدم و همسرش نسبت به دشمنی شیطان و تلاش وی برای اخراج آن‌ها از بهشت؛ ۶. حضور آدم در بهشت همراه با خبر دادن به وی در باره‌ی این که



در آن بهشت آدم و همسرش به گرسنگی و برهنگی و تشنگی و خشکسالی و آزار دیدن از گرمای خورشید مبتلا نخواهند شد؛ ۷. اقدام شیطان به وسوسه و فریب آدم و همسرش؛ ۸. وسوسه‌ی به جاودانه ماندن و فرمانروایی زوال ناپذیر، دو ابزار شیطان برای فریب آدم؛ ۹. فریب خوردن آدم و حوا از شیطان و تناول از درخت ممنوعه؛ ۱۰. آشکار شدن اندام‌های جنسی آدم و حوا و پوشاندن با برگ درختان بهشت؛ ۱۱. نافرمانی آدم نسبت به امر خدا و سقوط از جایگاه توأم با رفاه خود بر اثر نافرمانی؛ ۱۲. توبه‌ی آدم و پذیرش توبه او از طرف خدا و بازگشت به مقام برگزیدگی.

### ۳-۳. قصه آدم (ع) در سوره ص

سوره ص نیز از سوره‌های مکی قرآن است که در ترتیب مصحف سی و هشتمین سوره قرآن است و در روایات ترتیب نزول با اندک اختلاف برای آن، رتبه‌های متفاوت بیان شده است. مطابق روایت عطا خراسانی از ابن عباس این سوره در رتبه سی و هشتمین سوره‌ی نازل شده قرار دارد؛ (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۳: ۴۰۵/۱۰؛ سیوطی، ۱۴۲۱: ۵۷/۱ - ۶۰؛ معرفت، ۱۳۸۱: ۹۰) بنابر این سوره‌ی ص از نظر نزول، مقدم بر سوره‌ی طه است و پیش از آن، نازل شده و ظاهراً در میان سوره‌های مشتمل بر قصه‌ی آدم (ع)، سوره‌ی ص نخستین سوره‌ای است که قصه‌ی آدم (ع) در آن حکایت شده است. در آیات ۷۱ تا ۸۶ این سوره، قصه‌ی آدم و شیطان حکایت شده است:

﴿إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ \* فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتَ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ \* فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ \* إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ \* قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَن تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيدِي \* أَسْتَكْبَرْتَ \* أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ \* قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ \* قَالَ فَأَخْرِجْهَا فَآتِكَ رَجِيمٌ \* وَإِنَّا لَعَنَتُنِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ \* قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ \* قَالَ فَآتِكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ \* إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ \* قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ \* إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْحَصِينَ \* قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ \* لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ﴾ (ص / ۷۱-۸۶)؛ [به یاد آر] زمانی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در کار آفرینش بشری از گل هستم - و آن گاه که او را سامان دادم و از روح خود در او دمیدم [تا استعدادهای شگرفی در وجودش به ودیعه گذارم]، در برابرش ابراز فروتنی کنید - فرشتگان همه فروتنی خود را ابراز داشتند - جز ابلیس که برتری جست و در زمره انکارورزان شد - [خدای] گفت: ای ابلیس، چه چیز موجب شد که از فروتنی در برابر آن که به دستان [قدرت] خویش آفریده‌ام، خودداری کنی؟ آیا گردن‌کشی کردی یا برتری خواه بودی؟ - گفت: من نسبت به او برتری دارم؛ مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل - گفت: از آن [مقام] خارج شو که [از درگاه ما] مطرودی - و تا روز جزا مورد نفرین من قرار داری - گفت: پروردگارا، پس تا روزی که

[انسان‌ها] برانگیخته می‌شوند، مرا مهلت ده - [خدا] گفت: مهلت خواهی داشت - تا روز [رستاخیز] آن وقت مقرر - گفت: به عزتت سوگند که همگی آنان را به راه تباهی خواهیم کشید - مگر بندگان اخلاص یافته‌ات را از بین آن‌ها - [خدا] گفت: [گفتار من] حق است - و حق را می‌گویم - که دوزخ را از تو و همه افرادی از آنان که از تو پیروی کنند، انباشته خواهیم کرد.

### ۳-۴. عناصر اصلی قصه‌ی آدم (ع) در سوره‌ی ص

اصلی‌ترین عناصر قصه‌ی آدم (ع) در سوره‌ی ص عبارت‌اند از:

۱. خبر دادن خداوند به فرشتگان در باره‌ی این که بشری از گل خواهد آفرید؛ ۲. دمیدن از روح خود در آدم؛ ۳. امر به فرشتگان برای سجده بر آدم بعد از دمیده شدن روح در او؛ ۴. سجده‌ی همه‌ی فرشتگان برای آدم، به جز ابلیس؛ ۵. تکبر و ورزیدن، علت امتناع ابلیس از سجده بر آدم و در نتیجه کافر شدن وی؛ ۶. سؤال و بازخواست خداوند از شیطان برای توضیح علت خودداری از سجده بر آدم؛ ۷. خداوند آدم (ع) را با دو دست خودش آفریده است؛ ۸. آفریده شدن ابلیس از آتش و آدم (ع) از خاک علت برتری طلبی ابلیس بر آدم؛ ۹. اخراج ابلیس از جایگاه و منزلت خود نزد خداوند و طرد او از رحمت الهی؛ ۱۰. اعلان نفرین خداوند بر ابلیس و دور ساختن او از رحمت الهی تا قیامت؛ ۱۱. مهلت خواستن ابلیس از خداوند و مهلت دادن خداوند به او تا روز قیامت؛ ۱۲. سوگند خوردن ابلیس به عزت خداوند برای گمراهی آدم و همه فرزندان او و به سقوط کشاندن آنان از منزلت و جایگاهی که خداوند به آن‌ها بخشیده است؛ ۱۳. عدم قدرت شیطان بر گمراه ساختن و به سقوط کشاندن بندگان مخلص خداوند.

### ۴. محورهای مشترک قصه‌ی آدم در سوره‌ی طه و سوره‌ی ص

در قصه‌ی آدم، در دو سوره‌ی مورد بحث، علی‌رغم تصور ابتدایی که به نظر می‌رسد عناصر مشترک زیادی داشته باشند، مشترکات قصه در دو سوره در مقایسه با موارد اختلاف آن کمتر است. مهم‌ترین عناصر مشترک قصه در دو سوره‌ی طه و ص عبارت‌اند از:

۱. امر خدا به فرشتگان جهت سجده بر آدم؛ ۲. سجده کردن همه فرشتگان برای آدم؛ ۳. امتناع و ورزیدن شیطان از سجده برای آدم.

البته باید توجه داشت که عناصر قصه، تقریباً در دو سوره ثابت و یکسان است. خدا، آدم، فرشتگان و ابلیس عناصر ثابت قصه در هر دو سوره است و تنها همسر آدم است که در سوره طه از او یاد شده و در سوره ص از او سخن به میان نیامده است. نیز در سوره‌ی ص از فرزندان آدم یاد شده است (لأغوینبهم اجمعین)، در سوره‌ی طه اشاره به

فرزندان، بعد از هبوط آدم و همسرش به زمین، سخن از پیروان هدایت الهی که بالطبع فرزندان آدم می‌باشند، سخن گفته شده است.

### ۵. محورهای متفاوت قصه آدم در دو سوره ص و طه

چنانکه اشاره شد، عمدتاً بخش‌های قصه‌ی آدم (ﷺ) در دو سوره متفاوت است. با تأمل در این قصه، نکات مختلف و متفاوت مهمی میان دو سوره در باره‌ی این قصه دیده می‌شود که می‌تواند متناسب با غرض هر یک از دو سوره، در این قصه گنجانده شده باشد. یک تفاوت اساسی میان دو قصه این است که در سوره‌ی ص، شخصیت اصلی قصه و مخاطب سخن خداوند ابلیس است، اما در سوره طه شخصیت اصلی قصه و مخاطب، حضرت آدم است. بر این اساس، سایر عناصر قصه در دو سوره نیز در پرتو همین تفاوت اساسی تغییر کرده است. این تفاوت‌ها در عناصر ذیل خود را نشان داده است. عناصر اختصاصی سوره ص عبارت‌اند از:

خبر دادن خداوند به فرشتگان درباره‌ی این که بشری از ۱. گل خواهد آفرید؛ ۲. دمیدن از روح خود در آدم؛ ۳. دمیده شدن روح الهی در آدم؛ ۴. تکبیر ورزیدن علت امتناع ابلیس از سجده بر آدم و در نتیجه کافر شدن وی؛ ۵. سؤال و بازخواست خداوند از شیطان برای توضیح علت خودداری از سجده برای آدم؛ ۶. خداوند آدم (ﷺ) را با دو دست خودش آفریده است؛ ۷. آفریده شدن ابلیس از آتش و آدم (ﷺ) از خاک، علت برتری طلبی ابلیس بر آدم؛ ۸. اخراج ابلیس از جایگاه و منزلت خود نزد خداوند و طرد او از رحمت الهی؛ ۹. اعلان نفرین خداوند بر ابلیس و دور ساختن او از رحمت الهی تا قیامت؛ ۱۰. مهلت خواستن ابلیس از خداوند و مهلت دادن خداوند به او تا روز قیامت؛ ۱۱. سوگند خوردن ابلیس به عزت خداوند برای گمراهی آدم و همه فرزندان او و به سقوط کشاندن آنان از منزلت و جایگاهی که خداوند به آن‌ها بخشیده است؛ ۱۲. عدم قدرت شیطان بر گمراه ساختن و به سقوط کشاندن بندگان مخلص خداوند.

اصلی‌ترین عناصر متفاوت قصه آدم در سوره طه عبارت‌اند از:

۱. پیمان گرفتن از آدم و فراموش کردن آدم پیمان الهی را و این که در آدم عزمی بر وفاداری به پیمان نیافت؛ ۲. هشدار به آدم که شیطان دشمن وی است و مبادا موجب اخراج او از بهشت شده و او را به مشقت زندگی در زمین بیاندازد؛ ۳. حضور آدم در بهشت با عدم گرسنگی و برهنگی و تشنگی و گرما نخوردن وی همراه بوده است؛ ۴. ابزاری که شیطان آدم را وسوسه کرده و فریب می‌دهد تا از درخت ممنوعه بخورد، جاودانگی در بهشت و فرمانروایی است که هرگز کهنه نمی‌گردد؛ ۵. نافرمانی آدم از امر خدا و سپس توبه او و پذیرش توبه‌اش از سوی خداوند و برگزیدن وی. این که چرا خداوند در سوره ص و طه این عناصر را در قصه آدم (ﷺ) گزینش کرده است، نیازمند

تأمل بیشتر است، اما بی‌شک این عناصر با غرض هر یک از دو سوره ارتباط آشکاری دارد. بنابر این، در این مرحله، کشف غرض محوری و موضوع اصلی سوره ص و طه نقش مهمی در تحلیل عناصر اختصاصی قصه آدم (ع) در این دو سوره دارد.

## ۶. تتابع قصه آدم (ع) در دو سوره ص و طه

هنگامی که عناصر دو قصه آدم (ع) در دو سوره ص و طه با هم دیده می‌شود، مشاهده می‌گردد که گزاره‌های هر دو سوره، پیاپی بوده و جریان مستمری از سرگذشت آدم (ع) را برای ما نقل می‌کنند. نتیجه تلفیق دو گزارش چنین است:

۱. خداوند به فرشتگان خبر می‌دهد که به‌زودی بشری از گل خواهد آفرید. (ص / ۷۱)
۲. بعد از آفریدن آدم به فرشتگان امر می‌کند، هنگامی که از روح خود در آدم دمید، برای آدم سجده کنند، آنگاه همه فرشتگان از خدا فرمانبری کرده برای آدم سجده می‌کنند، به جز ابلیس. (ص / ۷۲ و ۷۳، طه / ۱۱۶) ۳. ابلیس با تکبر از سجده برای آدم (ع) امتناع ورزیده خدا را نافرمانی می‌کند و بدین سبب کافر می‌گردد. (ص / ۷۴) ۴. در این حال، خداوند شیطان را بازخواست کرده از او می‌خواهد علت سرپیچی‌اش از سجده بر آدم که او را با دو دست خویش آفریده، توضیح دهد. شیطان خود را برتر از آدم معرفی کرده و علت برتریش بر آدم را آفریده شدن خود از آتش و آدم (ع) از خاک معرفی می‌کند. (ص / ۷۵ - ۷۶) ۵. خداوند ابلیس را به دلیل تمردش از جایگاه و منزلتی که دارد، اخراج و طرد کرده و از رحمت خویش محروم می‌سازد. (ص / ۷۷ - ۷۸) ۶. ابلیس از خداوند مهلت می‌خواهد تا روز برانگیخته شدن انسان‌ها (قیامت) و خداوند به او مهلت می‌دهد تا زمان معین. (قیامت) (ص: ۷۹ - ۸۱) ۷. پس از این، ابلیس به عزت خداوند سوگند می‌خورد که آدم و همه فرزندان‌ش را از منزلت و جایگاهی که خداوند به آنها بخشیده است به انحراف و سقوط خواهد کشاند، مگر بندگان مخلص خداوند. (ص / ۸۲ - ۸۳) که البته این عدم سقوط بندگان مخلص خدا از سر ناتوانی اوست. ۸. خداوند اعلام می‌کند که در این صورت، حتماً دوزخ را از او و پیروانش انباشته خواهد کرد. (ص / ۸۴ - ۸۵) ۹. خداوند از آدم برای انجام کاری پیمان گرفت، اما آدم خیلی زود پیمان خدا را فراموش کرد و ما (خدا) در او عزمی نیافتیم (طه / ۱۱۵) ۱۰. خداوند به آدم و همسرش نسبت به دشمنی شیطان با آن دو و تلاش وی برای اخراج آن‌ها از بهشت هشدار می‌دهد که مراقب باشید مبادا ابلیس شما را از بهشت بیرون کند و شما به مشقت افتید. (طه / ۱۱۷) ۱۱. اینک آدم با همسرش در بهشت حضور دارد و برای آن دو مقرر شده است که در بهشت زندگی توأم با رفاه بگذرانند، نه به گرسنگی و قحطی مبتلا شوند، نه به برهنگی تا نیازمند لباس باشند، نه تشنگی و خشکسالی و نه از گرمای خورشید آزار ببینند. (طه / ۱۱۸ - ۱۱۹) ۱۲. شیطان آدم و همسرش

را در بهشت وسوسه کرده و با دو وعده جذاب فریب می‌دهد: یکی جاودانه ماندن و دیگری فرمانروایی زوال ناپذیر (دراز مدت). (طه / ۱۲۰) ۱۳. وعده‌های جذاب ابلیس، سرانجام آدم و همسرش را فریب می‌دهد و آن‌ها میوه‌ی درختی را که از خوردن آن نهی شده بودند، تناول می‌کنند و بر اثر این تناول، اندام‌های جنسی‌شان آشکار می‌شود. در این حال، شروع به پوشاندن آن با برگ درختان بهشت می‌کنند و بدین ترتیب، آدم پروردگارش را نافرمانی می‌کند، بر اثر این نافرمانی، آدم و همسرش از آن جایگاه توأم با رفاه خود سقوط می‌کنند. (طه / ۱۲۱) ۱۴. خداوند دو باره آدم را برمی‌گزیند و توفیق توبه به او عطا می‌کند و با توبه آدم او را هدایت می‌کند، اما آدم و همسرش را از بهشت هبوط می‌دهد و خبر می‌دهد که در زندگی جدید همواره با یکدیگر دشمنی می‌کنند، در عین حال همواره هدایت از جانب خدا خواهد آمد و هر کسی که از هدایت الهی دنباله‌روی کند، هرگز نه گمراه می‌شود و به مشقت نمی‌افتد. (طه / ۱۲۲ - ۱۲۳) چنان که مشاهده می‌شود، ترتیب قصه در این دو سوره، پیوسته و هماهنگ با ترتیب نزول است؛ یعنی اولین گزارش‌های قصه آدم (ع) در سوره ص - که نخستین سوره مشتمل بر قصه آدم در ترتیب نزول است - آمده و ادامه آن در سوره طه - دومین سوره مشتمل بر قصه آدم (ع) - گزارش شده است. در سوره‌های دیگر نیز بخشی دیگر از قصه‌های آدم آمده و در بخشی از آیات بخش‌هایی از همین قصه تفصیل داده شده است.

#### ۷-۱. قصه آدم (ع) در خدمت غرض اصلی سوره ص و طه

چنان که اشاره شد، تفاوت‌های اساسی در قصه آدم و شیطان در دو سوره‌ی ص و طه مشاهده می‌شود. همان‌گونه که برخی پژوهشگران بیان کرده‌اند، تفاوت‌های دو قصه در خدمت اغراض دو سوره یاد شده قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، این غرض متفاوت هر یک از دو سوره بوده است که گزینش گزاره‌های قصه آدم (ع) در هر یک از دو سوره را شکل داده است.

#### ۷-۱. غرض سوره ص

بسیاری از مفسران دوره‌ی معاصر، درباره‌ی غرض سوره‌ی ص اظهار نظر کرده‌اند. بیشتر آن‌ها، غرض این سوره را بیان مسأله توحید و وحی و قرآن و انذار نسبت به معاد یا عالم آخرت دانسته‌اند. (ر.ک: قطب، ۱۴۱۲: ۵/ ۳۰۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷/ ۱۸۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۹/ ۲۰۴؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۹/ ۲۳۱؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۹/ ۱۹۸؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۳/ ۱۰۷) مثلاً علامه طباطبایی می‌نویسد: در سوره‌ی ص سخن بر محور مندر بودن پیامبر با ذکر یا قرآن نازل‌شده از جانب خدا بر ایشان و دعوت به

توحید و اخلاص در بندگی خدای تعالی دور می‌زند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷/ ۱۸۱) وی معارف سوره ص را در چهار بخش دیده است:

در بخش نخست؛ با یاد کردی از سرسختی کافران و سرپیچی کردن از پیروی پیامبر و ایمان به آن حضرت و منع مشرکان از ایمان آوردن مردم و سخن باطل بر زبان راندن، آغاز شده است. در بخش دوم، سوره با ذکر قصه‌هایی از پیامبران گذشته، پیامبر را به صبر امر کرده است. در بخش سوم، عاقبت پرهیزگاران و طغیان‌گران را به تصویر کشیده است. در نهایت در بخش چهارم، به پیامبر امر می‌کند انذار مردم و دعوت به توحید را به آن‌ها ابلاغ کرده و بیان کند که عاقبت پیروان شیطان، آتش است. (ر.ک: همان) همان‌گونه که مفسران اشاره کرده‌اند، در یک تقسیم‌بندی کلی، معارف سوره ص را می‌توان در پنج بخش جای داد. با تأمل در بخش‌های مختلف این سوره و با در نظر گرفتن روایات، سبب نزول به نظر می‌رسد، اصلی‌ترین موضوع و غرض سوره، اعلان شکست مشرکان مکه در مواجهه و مقابله با پیامبر و نیز خبر قطعی دادن از استقرار قدرتمندانه و حاکمیت دین حق در زمین، همراه با تأکید بر وحدانیت خداست. افزون بر این، سوره به برخی چالش‌ها و خطراتی که حاکمیت پیامبر و حاکمان اسلامی را تهدید می‌کند، اشاره کرده است. (ر.ک: طیب حسینی، ۱۳۹۳: ۵۳) این غرض بر بخش‌های مختلف سوره‌ی ص سایه انداخته است. چنان‌که ۱۶ آیه‌ی نخست سوره، تقابل مشرکان با پیامبر را گزارش کرده و در آیه‌ی ۱۱، از آنان با عنوان سپاهیان از احزاب مختلف شکست خورده، یاد کرده است: ﴿جُنُودًا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِنَ الْأَحْزَابِ﴾. در آیه ۱۷ با تعبیر «أذکر» پیامبر را به یاد آوردن داستان داود قدرتمند توجه می‌دهد. ﴿أَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾ داودی که از فرمانروایی مقتدر و مستحکم و حکمت و قضاوت حق و عادلانه - که همگی نماد حکمرانی مقتدرانه است - برخوردار بوده است. (ص/ ۲۰) نیز در آیه ۳۱ سوره، در ارتباط با قصه‌ی حضرت سلیمان، از مجاهدانی نیرومند و برخوردار از اسبان چابک و تیزرو، یاد شده است و در آیه‌ی ۳۵ سوره، سلیمان از خدا فرمانروایی با عظمت و بسیار مقتدر که تاکنون به احدی داده نشده و بعد از این هم داده نخواهد شد درخواست می‌کند و خداوند هم این فرمانروایی را به وی می‌بخشد. بنابر این، قصه‌ی داود و سلیمان در این سوره، همراه با گزینش واژگان خاص، پیوند عمیقی با غرضی که از آن یاد شد (حاکمیت دین و پیامبر و جانشینان وی) دارد. در بخش بعدی سوره، قصه‌ی ایوب پیامبر و رنج‌هایی که وی به آن مبتلا شد و صبر و پایداری‌اش در برابر آن همه محنت و رنج، سفارش به فرمانروایان راستین و الهی جهت تحمل سختی‌ها، مشکلات، رنج‌ها و محرومیت‌های مادی، فراروی حکومت است. در بخش دیگر سوره، از پیامبران بزرگی همچون ابراهیم، اسحاق و یعقوب یاد شده و از آنان با تعبیر «اولی‌الایدی = بسیار قدرتمند» یاد شده است. نیز از پیامبرانی

چون اسماعیل و یسع و ذوالکفل یاد شده که به عنوان اخیار و برگزیدگان و نیکان معرفی شده‌اند. نکته قابل توجه در این بخش آن است که خداوند از این سه پیامبر یعنی ابراهیم و اسحاق و یعقوب با تعبیر قدرتمند و صاحب بصیرت یاد کرده و با تعبیر «أَخْلَصْنَا هُمْ» خبر می‌دهد که ما این پیامبران را با یک ویژگی خاص، یاد آخرت، خالص گردانیدیم: «إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ» (ص/ ۴۶) این یاد کرد نیز با غرض اصلی سوره یعنی حاکمیت پیامبر و جانشینانش پیوندی نزدیک دارد؛ چرا که تنها بندگان مُخْلِص خدا شایستگی حکومت و فرمانروایی بر بندگان خدا را خواهند داشت؛ چنان که در قصه‌ی آدم و شیطان در این سوره نیز بندگان مُخْلِص خدا از انحراف شیطان مصون معرفی شده‌اند. همچنین در ادامه خداوند می‌فرماید: «قُلْ هُوَ نَبَوُّوا عَظِيمٌ» (ص/ ۶۷) درباره مقصود از «نبا عظیم» در این آیه، ۳ دیدگاه مطرح شده است: ۱. قرآن؛ ۲. وحدانیت خدا؛ ۳. اخبار بهشت و دوزخ. اما به نظر می‌رسد که همسو با سیاق کل سوره و متناسب با موضوع اصلی آن و نیز با توجه به آیه پایانی سوره «وَلِتَعْلَمَ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ»، مقصود از «نبا عظیم» خبر استقرار حکومت دینی پیامبر و سپس جانشینان آن حضرت و رسیدن این حاکمیت به نقطه‌ی مطلوب نهایی و آرمانی است؛ یعنی حکومتی عادلانه و با اقتدار همچون حکومت داود پیامبر و فرمانروایی سلیمان؛ لذا در بخش پایانی سوره، خداوند مخاطبان را اعم از مشرکان و مؤمنان به داستان آفرینش حضرت آدم و مقام او و سوگند به‌منظور گمراهی و به سقوط کشاندن فرزندان آدم توجه می‌دهد. خدا بشری را از گل آفرید و از فرشتگان خواست برای او سجده کنند، اما ابلیس با تکبر از فرمان خدا سرپیچی کرد و خود را برتر از انسان پنداشت و به سبب این نافرمانی از درگاه خدا رانده شد و تا قیامت مشمول لعنت خدا گشت. او از خدا مهلت خواست و سوگند یاد کرد تا قیامت بنی‌آدم را از راه به در برد و به سقوط کشاند، جز بندگان مُخْلِص خدا که خدا آنان را خالص ساخته و از گمراهی معصوم‌شان داشته است. ارتباط این داستان با موضوع اصلی سوره؛ یعنی حکومت و قدرت سیاسی پیامبر و جانشین آن در این است که خدای تعالی با ذکر این قصه به همه‌ی مؤمنان هشدار می‌دهد که ممکن است افرادی از آنان، در سایه‌ی دین به قدرت و فرمانروایی فراچنگ آورند. اینان باید بدانند که شیطان دشمن قسم خورده آنان است و از طریق قدرت و حکومت، آنان را که شایسته و برگزیده خدا نباشند و به درجه برگزیدگی و خلوص نرسیده باشند، به سقوط خواهد کشاند. (طیب حسینی، ۱۳۹۳: ۵۷ - ۶۰)

## ۲-۷. غرض سوره طه

درباره غرض سوره طه نیز اظهار نظرهای مختلفی شده است. بیشتر آن‌ها غرض این سوره را بیان مسأله‌ی توحید و وحی و قرآن و انذار نسبت به معاد یا عالم آخرت



دانسته‌اند. (ر.ک: قطب، ۱۴۱۲: ۴/۲۳۲۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۴/۱۱۹؛ حوی، ۱۴۲۴: ۷/۳۳۳۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۳/۱۵۳؛ فضل الله، ۱۴۱۹: ۱/۸۷؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۱/۳۶۶) با تأمل در آیات سوره‌ی طه چنین به نظر می‌آید که اصلی‌ترین غرض سوره طه، در کنار هدایت پیامبر در برخورد با مشرکان و آزارهای آنان، پاسخ به نگرانی‌های پیامبر نسبت به آینده‌ی امت و برنامه‌های آن حضرت برای حاکم جامعه اسلامی، پس از خود و آرامش بخشیدن به آن حضرت بوده است. (ر.ک: طیب حسینی، ۱۳۹۵: ۴۶) مسأله‌ی حاکم و حکومت در جامعه اسلامی بر تمام بخش‌های سوره، به‌طور برجسته‌ای سایه انداخته است. در آیه‌ی ۵ سوره ﴿الرَّحْمَانُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾ استوای بر عرش، کنایه از فرمانروایی خداوند با عالم است. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۸/۸۶) در آیه ۲۹ سوره، قصه موسی هنگام مبعوث شدن به رسالت آمده که از خداوند درخواست وزیری از خاندانش و مشخصاً برادرش هارون می‌کند: ﴿وَاجْعَلْ لِي وِزِيرًا مِّنْ أَهْلِي هَارُونَ أَخِي أَشَدُّ بِهِ أَزْرِي﴾. در ادامه‌ی سوره، پس از هجرت موسی و بنی اسرائیل از مصر و نجات از سلطه و آزار فرعون، موسی به میقات رفته، هارون در غیاب وی از بنی اسرائیلی که توسط سامری گمراه شده و گوساله پرست شده‌اند، می‌خواهد که از وی پیروی کرده و فرمانبردارش باشند: ﴿وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلِ يَأْقُومِ إِتْمَانْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي﴾ (طه/۹۰) و در آیه‌ی ۹۴، هارون در پاسخ به موسی (علیه السلام) که چرا جلوی انحراف بنی اسرائیل و گوساله‌پرستی آنان را ننگرفته است، از ترس خود نسبت به ایجاد تفرقه میان امت سخن گفته است: ﴿قَالَ يَا بَنِي آدَمُ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي﴾. سپس در آیه ۱۱۴ نیز خداوند را فرمانروای حق و آشکار و برتر از هر چیز و هر شخص معرفی کرده است: ﴿فَتَعَلَى اللَّهِ الْمَلِكُ الْحَقُّ﴾. در ادامه آیات قصه آدم و شیطان آمده و در این قصه، علی‌رغم هشدار خداوند به آدم مبنی بر این که شیطان دشمن او و همسرش است، شیطان آدم را با وعده حکومت و فرمانروایی که هرگز کهنه و ضعیف نمی‌شود، فریب می‌دهد: ﴿فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبُؤُا﴾. در آیات پایانی سوره، گرچه مستقیماً واژه‌ای دال بر حکومت و فرمانروایی به کار نرفته است، اما در روایات تفسیری اهل بیت (علیهم السلام) ذیل آیات، برخی از این آیات در ارتباط با خلفا و جانشینان پیامبر تفسیر شده است. (ر.ک: طیب حسینی، ۱۳۹۵- الف: ۱۵۲ - ۱۸۶) با توجه به این کلید واژه‌ها، غرض اصلی نزول سوره طه، بیان مسأله‌ی حاکمیت سیاسی بر مسلمانان بعد از پیامبر و تعیین وزیر و خلیفه ایشان و نیز بیان این که به دلیل قدرت طلبی که در ذات بشر نهفته و وجود دشمن قسم خورده‌ای چون شیطان، حاکمیت سیاسی جانشین پیامبر با چالش‌هایی روبرو خواهد شد. همچنین در این سوره،



موضعی را که جانشین پیامبر در شرایط کنار زده شدن از قدرت، باید انجام دهد بیان شده است: ایفای نقش هدایتگری امت، پرهیز از هرگونه ایجاد شکاف و تفرقه در میان امت، ولو مستلزم از دست دادن خلافت باشد و پناه آوردن به نماز به عنوان برترین ذکر خدای تعالی تا سرانجام خدایی که فرمانروای حق و آشکار و مطلق بر عالم هستی است آنچه را که مقدر کرده است، فرا رساند: ﴿قُلْ كُلُّ مُرْتَبِّصٍ فَتَرَىٰ وَفَسْتَخْلَمُونَ مِنْ أَصْحَابِ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَىٰ﴾ (طه / ۱۳۵) (نکته: طیب حسینی، ۱۳۹۵: ۵۳ - ۵۵؛ همو، ۱۳۹۵ - الف: ۱۴۵ و ۱۴۶)

**۸. عنصر اصلی قصه آدم در سوره ص و طه با توجه به غرض اصلی سوره‌ها**

همانگونه که قبلاً اشاره شد، یکی از اهداف تکرار در قصه‌های قرآن، همراه با اختلاف در گزینش عناصر قصه، تعدد و تفاوت اغراض سوره‌ها است. از آنجا که هر قصه قابلیت بیان اغراض و اهداف متعدد دارد، نقل آن در هر سوره از زاویه متفاوت، بیانگر یکی از اغراض آن قصه است. (ملبوی، ۱۳۷۶: ۱۴۳) مطالعه قصه‌های قرآن نشان می‌دهد که گزینش واژگان در هر قصه نیز به طور شگفت‌انگیزی در خدمت اغراض آن سوره قرار گرفته است و از یک سوره به سوره دیگر تغییر می‌کند. براین اساس، به منظور شناخت همسویی قصه با غرض اصلی سوره، باید روی واژگان و عناصر متمایز قصه تمرکز کرد. برای درک این تمایز در دو سوره ص و طه، در هر سوره روی یک عنصر تمرکز می‌کنیم و براین باوریم که سایر عناصر اختصاصی قصه آدم در این دو سوره، قابل ارجاع به همین عنصر اساسی است. عنصر اساسی سوره ص عبارت است از: تصمیم شیطان برای به «سقوط کشاندن همه انسان‌ها، به‌جز بندگان مخلص خداوند». هنگامی که ارتباط این عنصر اساسی با سایر بخش‌های سوره ص و غرض اصلی آن - که قبلاً معرفی شد - سنجیده شود، این نتیجه را به دست می‌دهد که خداوند در سوره ص، درصدد بیان قطعیت پیروزی پیامبر بر مشرکان مکه و استقرار حاکمیت و حکومتی دینی از سوی آن حضرت است. از آنجا که تقدیر الهی بر این تعلق گرفته که دین اسلام به عنوان دین خاتم استمرار داشته باشد و طبعاً در پرتو این دین، برای افراد زیادی در طول تاریخ، فرصت حکمرانی فراهم می‌گردد. خدای تعالی در سایر بخش‌های سوره با اشاره به برخی از آسیب‌های بسیار مهمی که حکمرانان بالقوه را با خطر انحراف و سقوط خود و جامعه مواجه می‌سازد، خدای تعالی با طرح قصه شیطان و آدم در این سوره از زاویه‌ای کاملاً اختصاصی در صدد برآمده تا دو نکته را به همه مؤمنان یادآوری کند:

۱. همه به ویژه کسانی که در معرض حکومت‌داری و حکمرانی قرار خواهند گرفت، مراقب باشند که شیطان با مهلتی که از خدا گرفته و سوگندی که خورده، مصمم است بنی آدم را از طریق قدرت و حکومت یافتن (با توجه به سیاق سوره) به سقوط کشاند و

هیچ یک از افراد، نباید خود را مستثنا کرده و مصون از فریب شیطان بشمارد.

۲. خداوند همواره هم در گذشته و هم در آینده بندگان برگزیده‌ای دارد، هم وزن پیامبرانی چون ابراهیم و اسحاق و یعقوب و... ﴿إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ﴾ (ص/۴۶) که از فریب شیطان معصوم و مصونند و تنها آنان صلاحیت حکمرانی عادلانه را در زمین خواهند داشت. ﴿إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ﴾ (ص/۸۳)

عنصر اساسی قصه آدم در سوره طه هم عبارت است از:

«فریب دادن شیطان حضرت آدم را با وعده فرمانروایی زوال ناپذیر». این عنصر نیز کاملاً با بخش‌های مختلف سوره و غرض آن همسو است. چنان که بیان شد، اصلی‌ترین غرض سوره، رفع نگرانی رسول خدا ﷺ نسبت به طرح و برنامه‌هایش نسبت به آینده دین و خلافت و خلیفه‌ای است که پیامبر در حال تربیت اوست، اما پیامبر می‌بیند که این خلیفه‌اش توسط افرادی از امتش در نقش سامری به حاشیه رانده می‌شوند. همسو با این غرض، خداوند با طرح قصه حضرت آدم و جایگاهش و فریب او توسط شیطان، آن هم با وعده فرمانروایی، آشکارا به مؤمنان حاضر در امت پیامبر، هشدار می‌دهد که مبادا فریب شیطان خورد و به طمع حکمرانی، در نقش سامری این امت ظاهر شوند و موجبات سقوط خود و امت را فراهم آورند. سایر نکات متمایز قصه در سوره طه در سایه همین عنصر اساسی جای می‌گیرد.

با این تحلیل به نظر می‌رسد که هر دو سوره ص و طه، مسأله سیاست و حکمرانی در جامعه اسلامی و آسیب‌های اساسی آن را مورد توجه قرار داده‌اند، با این تفاوت که در یکی، اصل استقرار حاکمیت اسلام را هدف قرار داده و در قصه شیطان و آدم بر وجود شایستگی برای حکمرانی تأکید می‌کند و در سوره طه، به مرحله بعد از استقرار حاکمیت اسلام توجه کرده است و درباره‌ی نوع و فرد جانشین پیامبر توصیه می‌کند و هشدار به مؤمنان که مراقب باشند، شیطان با وعده فرمانروایی آنان را فریب ندهد و به تصاحب حاکمیت در جامعه اسلامی که نتیجه‌ای جز سقوط خود و به سقوط کشاندن جامعه ندارد، روی نیاورند.

## نتیجه

در رهگذر مباحث گذشته این نتیجه به دست می‌آید که یکی از زمینه‌های مطالعات و تفسیر تطبیقی قرآن، مقایسه میان قصص قرآن است. این مطالعه تطبیقی دستاوردهای مهمی در عرصه تفسیر قرآن دارد که در حوزه قصه‌های متعلق به یک موضوع، اما مکرر در دو یا چند سوره از دو دستاورد ذیل برخوردار است:

یکی، هم‌افزایی و تکمیل زنجیره قصه‌ها و دیگری، کشف ارتباط میان زاویه دید هر قصه با غرض سوره. همچنین از رهگذر مقایسه عناصر قصه حضرت آدم ﷺ و شیطان در دو سوره ص و طه به دست آمد که از نظر محتوا، عنصر اساسی متمایز قصه آدم در سوره

ص، مصونیت بندگان مخلص خدا از فریب شیطان و انحراف، در مسأله قدرت و حکمرانی جامعه اسلامی است و از نظر قرآن، تنها آنان شایستگی حکومت دارند و عنصر اساسی قصه در سوره طه، هشدار است به اینکه قدرت و حکمرانی عامل اساسی انحراف و سقوط انسان است.

## منابع

- قرآن کریم، ترجمه طاهری قزوینی.
۱. ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۴۲۰ ق): «التحریر و التنویر»، بیروت: مؤسسه التاريخ العربی.
  ۲. حوی، سعید (۱۴۲۴ ق): «الاساس فی التفسیر»، قاهره: دار السلام.
  ۳. خالدی، صلاح عبدالفتاح (۱۴۲۲ ق): «التفسیر الموضوعی بین النظرية و التطبيق»، عمان: دار النفاثین.
  ۴. خلف الله، محمداحمد (۱۹۹۹ م): «الفن القصصی فی القرآن الکریم»، لندن: مؤسسه الانتشار العربی.
  ۵. رومی، فهیدین عبدالرحمن (۱۴۱۹ ق): «بحوث فی اصول التفسیر و مناهجه»، ریاض: مکتبه التوبه.
  ۶. زرکشی، محمد بن بهادر (۱۴۱۰ ق): «البرهان فی علوم القرآن»، بیروت: دار المعرفه.
  ۷. سامرای، فاضل صالح (۱۳۹۸ ش): «آرایه های بلاغی قرآن کریم»، مترجم: قادر قادری، تهران: نشر احسان.
  ۸. سامرای، فاضل صالح (۱۳۹۶ ش): «بلاغت تعبیر در ساختارشناسی قرآن»، مترجم: انسیه خزعلی و یسرا شادمان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
  ۹. سامرای، فاضل صالح (۱۳۹۹ ش): «بلاغت واژگانی در قرآن»، مترجم: هادی نصیری و محبت علی حسینی زاده، قم: بوستان کتاب.
  ۱۰. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۲۱ ق): «الإیتقان فی علوم القرآن»، بیروت: دار الکتب العربی.
  ۱۱. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ ق): «المیزان فی تفسیر القرآن»، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
  ۱۲. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴ ش): «ترجمه تفسیر المیزان»، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
  ۱۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ ش): «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، تهران: ناصرخسرو.
  ۱۴. طیب حسینی، سید محمود (۱۳۹۵ ش): «حاکمیت سیاسی جامعه اسلامی و ویژگی های آن در سوره های مکی قرآن بررسی سوره طه»، مجله معرفت سیاسی، سال هفتم، شماره ۱۵.
  ۱۵. طیب حسینی، سیدمحمود (۱۳۹۵ ش) الف: «پیامبر اندیشناک خلافت»، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
  ۱۶. طیب حسینی، سید محمود (۱۳۹۳ ش): «طراحی حاکمیت سیاسی پیامبر و جانشینان آن حضرت و آسیب های فراروی آن در سوره ص»، مجله معرفت سیاسی سال ششم، شماره ۱۲.
  ۱۷. عسگری، انسیه (۱۳۹۷ ش): «جریان شناسی تفسیر تطبیقی»، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
  ۱۸. فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۹ ق): «من وحی القرآن»، بیروت: دار الملائک.
  ۱۹. قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۷ ش): «تفسیر احسن الحدیث»، تهران: بنیاد بعثت.
  ۲۰. قطب، ابراهیم بن شاذلی (۱۴۲۳ ق): «مشاهد القیامه»، قاهره: دار الشروق.
  ۲۱. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰ ش): «التحقیق فی کلمات القرآن»، تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب.
  ۲۲. معرفت، محمدهادی (۱۳۸۱ ش): «علوم قرآنی»، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
  ۲۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ ش): «تفسیر نمونه»، تهران: دار الکتب الإسلامیه..
  ۲۴. ملبوبی، محمد تقی (۱۳۷۶ ش): «تحلیلی نو از قصص قرآن»، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

## Resources

The Holy Quran, translated by Taheri Qazvini.

1. Ibn Ashur, Muhammad ibn Tahir (1420 AH): "Al-Tahrir wa Tanwir", Beirut: Arab History Foundation.
2. Hawi, Saeed (1424 AH): "The basis in interpretation", Cairo: Dar al-Salam.
3. Khaledi, Salah Abd al-Fattah (1422 AH): "Thematic Interpretation between Theory and Application", Oman: Dar al-Nafa'is.
4. - Khalafullah, Muhammad Ahmad (1999 AD): "Al-fan Al-qesasi in the Holy Quran", London: Arab Publishing Foundation.
5. Rumi, Fahd ibn Abd al-Rahman (1419 AH): "Research in the principles of interpretation and method", Riyadh: School of Repentance.
6. Zarkashi, Muhammad ibn Bahadur (1410 AH): "Al-borhan fi Olom Al-Qur'an", Beirut: Dar al-Ma'rifah.
7. - Samarai, Fazel Saleh (1398 SH): "Rhetorical Arrays of the Holy Quran", Translator: Qader Qaderi, Tehran: Ehsan Publishing.
8. - Samarai, Fazel Saleh (1396 SH): "Rhetoric of Interpretation in the Structure of the Qur'an", Translator: Ensieh Khazali and Yasra Shadman, Tehran: University Publishing Center.
9. - Samarai, Fazel Saleh (1399 AH): "Vocabulary rhetoric in the Qur'an", Translator: Hadi Nasiri and Mohabat of Ali Hosseinizadeh, Qom: Book Garden.
10. Siouti, Abdul Rahman Ibn Abi Bakr (1421 AH): "Al-etqan in the sciences of the Qur'an", Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi.
11. - Tabatabai, Mohammad Hussein (1390 AH): "Al-mizan in the interpretation of the Qur'an", Beirut: Scientific Foundation for Publications.
12. - Tabatabai, Mohammad Hussein (1374 AD): "Translation of Tafsir al-Mizan", Qom: Islamic Publications Office.
13. Tabarsi, Fadl Ibn Hassan (1372 AH): "Majma Al-bayan in the Interpretation of the Qur'an", Tehran: Naser Khosrow.
14. Tayeb Hosseini, Sayyed Mahmoud (1395 SH): "Political Sovereignty of the Islamic Society and Its Characteristics in the Meccan Surahs of the Qur'an A Study of Surah Taha", Journal of Political Maarefat, Year 7, No. 15.
15. - Tayeb Hosseini, Sayyed Mahmoud (1395 SH) A: "The Thoughtful Prophet of the Caliphate", Qom: Research Institute and University.
16. Tayeb Hosseini, Sayyed Mahmoud (1393 SH): "Designing the political rule of the Prophet and his successors and the damage they face in Surah Saad.", Journal of Political Maarefat, sixth year, No. 12.
17. - Asgari, Ensieh (1397 SH): "The flow of comparative interpretation", Qom: Research Institute and University.
18. - Fazlullah, Muhammad Hussein (1419 AH): "From the revelation of the Qur'an", Beirut: Dar al-Malak.
19. - Ghorashi, Sayyed Ali Akbar (1377 SH): "Tafsir Ahsan Al-Hadith", Tehran: Besat Foundation.
20. Qutb, Ibrahim Ibn Shazli (1423 AH): "Observing the Resurrection", Cairo: Dar al-Shorouk.
21. Mostafavi, Hassan (1360 SH): "Research in the words of the Qur'an", Tehran: Book Publishing and Translation Company.
22. - Maarefat, Mohammad Hadi (1381 SH): "Quranic Sciences", Qom: Al-Tamheed Publishing Cultural Institute.
23. Makarem Shirazi, Nasser (1371 SH): "Sample Interpretation", Tehran: Islamic Books House ..
24. - Malboubi, Mohammad Taghi (1376 SH): "A New Analysis of Quranic Stories", Tehran: Amirkabir Publishing Institute.